

محمد جمشیدی استاد دانشگاه تهران در گفت و گو با «فرهیختگان»:

حتی مذاکرات پنهانی عمان بسیار بهتر از توافق ژنو و برجام بود

برجام برای مهار ایران طراحی شده نه شکوفایی اقتصادی



یعنی دو نگاه متفاوت مطرح است. در داخل کشور دولت روحانی هدف برجام را رفع تحریم معرفی کرده اما طرف مقابل برجام را ابزاری برای حفظ فشار بر ایران دیده است. متأسفانه در کشور ما خیلی از افراد برجام را به صورت متن انگلیسی و با درک واقعی سیاسی و حقوقی نخوانده‌اند که معنای کلمات آن را متوجه شوند ولیکن اگر کسی برجام را دقیق بخواند خواهد دید برجام اساساً تحریم را حفظ می‌کند و حقوق هسته‌ای را برای ما حفظ نمی‌کند.

بحث انجام برجام‌های دو و سه هم در راستای همین سیاست بود؟

بله، آنها دنبال این بودند که ایران را وادار کنند در مسیر برجام‌های دو و سه قرار گیرد و امتیازاتی دیگر در حوزه منطقه‌ای و موشکی داده شود و ایران با تغییرات اجتماعی و پیدا کردن نگاه مثبت به غرب و معاملات جدید با این کشورها، عملاً از برنامه‌های راهبردی خود در بازه زمانی ۱۵-۱۰ ساله دست بردارد؛ این چیزی است که اوپاما بیان کرد. در واقع می‌خواستند کاری کنند که با تغییر تدریجی مسئولان کشور و تغییر ذائقه سیاسی و راهبردی مردم عملاً ایران دنبال گزینه‌های راهبردی که امروز به دنبال آن است، نرود. آنها نمی‌خواستند ایران به سمت تقویت قدرت منطقه‌ای و توسعه برنامه موشکی خود حرکت کند و از سوی دیگر می‌خواستند این انتخاب خود ایرانی‌ها باشد. در واقع برنامه غربی‌ها این بود بعد از اینکه دوران برجام هم تمام شد، بعد از ۱۵ یا ۲۰ سال، ایران در محاسبات داخلی خود احساس کند که باید برنامه هسته‌ای را کنار بگذارد و این محاسبه اصلی آمریکا در توافق با ایران بود. بر این اساس امیدوار بودن به اینکه برجام وضع اقتصادی کشور را واقعاً بهبود می‌بخشد کاملاً ساده‌اندیشانه است. مثال آن این طور است که کسی به اسبی هویج و قند می‌دهد تا بر آن اسب افسار بزند و سواری بگیرد. این برنامه راهبردی آمریکا بود. هنر ایران در مذاکرات باید این می‌بود که جلوی تحقق آن را بگیرد نه اینکه برجام را تقدیس و راه نجات کشور معرفی کند. امروز هم آمریکا و اروپا اثبات کرده‌اند واقعاً به دنبال رفع تحریم‌ها نیستند و تئوری تعامل با غرب که در برجام تماس پیدا کرد در عمل شکست خورده است.

آنچه در ذهن تیم قبلی بود با آنچه اتفاق افتاد چقدر تطبیق داشت؟

واقعیت این است که حتی در مذاکرات پنهانی که در عمان در سال ۱۳۹۱ انجام می‌شد، اگر چه محتوای توافقی که صورت گرفته بود ایراداتی داشت، اما بسیار بهتر از توافق ژنو و بعداً برجام بود.

یعنی آنها در آن دوره توافقات بهتری را حاضر بودند بپذیرند، به همین دلیل توافق ژنو به مراتب بدتر از محتوای مذاکرات عمان بود، چرا که عملاً از حقوق ما کم کرده و تحریم‌ها را حفظ کردند.

دیدار یا مشورتی با تیم و اعضای سابق از جمله خود شما به عنوان استاد دانشگاه در این زمینه داشتند؟

شاید با بقیه اعضا داشته باشند ولی تا حدی که من در جریان هشتم جلسات همفکری وجود نداشتم. به دلایل سیاسی یا هر دلیل دیگری خیلی تمایل برای این امر وجود نداشتم، هرچند این جزء حق انبساط و می‌توانند همفکری داشته باشند یا نداشته باشند و نمی‌توان گفت این ایراد است که چرا جلسات همفکری نداشتم. بهتر بود با همه مشورت کنند ولی این کار انجام نشد. نظر شخصی بود و نمی‌خواستند صحبتی داشته باشند.

برخی معتقدند سال ۹۴ نسبت به برجام بزرگ‌نامی شد و الان نیز این استدلال وجود دارد که آمریکا به دنبال بازگشت به برجام برای فعال کردن مکانیسم ماشه است، نظر شما چیست؟

اولاً آمریکا قرار نیست به برجام برگردد. آمریکا چنین چیزی را بیان نکرده است. آمریکا ادعایی دارد به عنوان اینکه من عضو برجام هستم و می‌توانم مکانیسم ماشه را فعال کنم و تحریم‌ها علیه ایران را بازگردانم. این به معنای بازگشت به برجام نیست. می‌گویند من حتی اگر از برجام هم خارج شوم، بنا بر ماده ۱۰ برجام هنوز عضو برجام هستم.

غرب برجام را برای مهار راهبردی ایران طراحی کرده نه شکوفایی اقتصادی آن

نکته دیگر اینکه اساساً برجام در داخل کشور ما بزرگ‌نامی شد. حتی اگر آمریکا به تعهدات برجامی خود به صورت کامل عمل می‌کرد و اروپایی‌ها هم به تعهدات خود عمل می‌کردند وضع اقتصادی به معنای واقعی خوب نمی‌شد، چرا که براساس برجام تحریم‌ها باقی می‌ماند و آمریکا به صورت سه‌ماهه یا ۶ ماهه آنها را تعلیق می‌کند. هر وقت اراده سیاسی آمریکا بر این باشد که تعلیق نکند برجام از بین می‌رود و همان طور که مشاهده کردید در رفتار دولت ترامپ قابل مشاهده بود. در داخل ایران متأسفانه یکی از اشتباهاتی که دولت انجام داد و هزینه‌ساز هم بود این بود که برجام را بزرگ‌نامی کرد و آن را زمینه‌سازیش اقتصادی برای کشور ترسیم کرد، در حالی که برجام در نگاه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها یک توافق کنترل تسلیحاتی است که برای مهار ایران است و قرار نیست طبق آن تحریم رفع شود. بلکه تحریم ابزاری است که باید حفظ شود تا ایران به تعهدات راهبردی خود ذیل برجام عمل کند.

اگر برجام طراحی درستی داشت و طبق یک سازوکار مشخصی پیش می‌رفت از این مشکل جلوگیری می‌کرد؟

مگر دو سال دوم اینچنین نشد؟ ما دو سال اول دولت روحانی در حال مذاکره و گفت‌وگو و شکل دادن به برجام بودیم؛ دو سال دوم آقای روحانی موقعیتی ایجاد شد که صادرات نفت و کالاهای دیگر شکل گرفت، درآمدهای ارزی و درآمدهای ریالی دولت هم خوب شد، شما شاهد بودید در آن دو سال نرخ رشد بسیار خوبی در کشور داشتیم.

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد هم نرخ رشد اقتصادی کشور و هم کنترل بر مسائل بازار ارز و بازار اشتغال خوب بود. حتی سالی ۷۰ هزار شغل ایجاد شد، مگر چنین نبود؛ اما با خارج شدن ایالات متحده آمریکا از برجام فشارهای بین‌المللی علیه ما آغاز شد.

شما پیش‌بینی می‌کردید آمریکا از برجام خارج شود؟

هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد. آیا کسی پیش‌بینی می‌کرد

توافق به خودی خود در دولت روحانی اصالت پیدا کرد این رویکرد در دولت روحانی و در قرارداد سال ۹۴ هم لحاظ شد؟

در دولت روحانی شاهد این بودیم که توافق به خودی خود اصالت پیدا کرد، یعنی در مواضعی که مسئولان دولت روحانی گرفتند، به طور مثال جمله معروف ظریف که بیان کرد «هر توافقی بهتر از عدم توافق است»، این برداشت را در ذهن طرف آمریکایی ایجاد کرد که توافق برای دولت روحانی اصالت دارد و لذا در اینکه بخواهند امتیازهای واقعی به ایران بدهند کمی مردد شدند و این رویکرد را اتخاذ نکردند. از سوی دیگر گفت‌وگو سیاست خارجی دولت روحانی که از ابتدای ریاست جمهوری ایشان حتی در رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۲ آمریکایی‌ها از آن ارزیابی و تحلیل داشتند و برخی این ارزیابی‌ها انتشار علنی پیدا کرد، دلالت بر این داشت که آنها بر این باور نبودند که دولت روحانی نسبت به حفظ حقوق هسته‌ای ایران با فشاری داشته باشد. اینها برآوردهای آمریکایی‌هاست و نمی‌گویم واقعیت‌های سیاست دولت روحانی اینچنین است، چون مذاکره دو طرف دارد لذا مسأله این است که در این شرایط آنها دیدند سیاست‌شان در قبال ایران در حال جواب دادن است و رویکردی که دولت روحانی اتخاذ کرده و ادبیاتی که پیگیری می‌کرد به آنها این سیگنال را می‌داد که سیاست آنها جواب می‌دهد و تحریم‌ها باید حفظ شود. بنابراین برآورد طرف مقابل این بود که ایران در دولت روحانی به هر طریق به دنبال این است توافقی حاصل شود. برای همین وعده‌ای که روحانی داد این بود که ۱۰۰ روزه توافق می‌کنیم و این حرف توافق ژنو را به دنبال داشت و همه اینها می‌تواند دلالت بر این داشته می‌شود که می‌توان بدون دادن امتیازات واقعی یک توافق با ایران انجام داد. به عبارت دیگر برآورد طرف غربی از دولت روحانی این بود که اصل توافق برای دولت اصالت دارد و لذا آنها دست برتر را داشتند، در عین اینکه تحریم را در این زمینه حفظ کردند.

به نوعی معتقد هستید این پالس را دو طرف برای یکدیگر ارسال کردند که توانستند به این توافق دست یابند؟

آمریکایی‌ها با توجه به پیشرفت فنی هسته‌ای ایران به این نتیجه رسیده بودند که باید به هر حال با ایران توافق کرد اما در این توافق نیاز به این داشتند که با تحریم‌های زیاد آن را بر ایران تحمیل کنند، ولی وقتی در دولت روحانی دیدند می‌توانند توافقی بهتر از آن چیزی که قبلاً می‌توانستند با دولت قبل انجام دهند، داشته باشند، اقدام کردند.

در حالی که تیم قبلی هم می‌توانست توافق هسته‌ای با طرف ۵+۱ انجام دهد اما شرط این بود که منافع ایران حفظ شود و هدف اصلی این بود هم حقوق هسته‌ای ایران حفظ شود و هم تحریم به صورت واقعی برداشته شود و در غیر این صورت آنها در آن دوره حاضر بودند توافق‌هایی شبیه برجام انجام دهند که منافع واقعی برای ایران نداشته باشد.

به عنوان یک کارشناس در این حوزه پیش‌بینی می‌کردید دولت روحانی در سال ۹۴ چنین توافقی را امضا کند؟

اگر بخواهیم مرور کنیم باید به اینکه چه کسانی باعث شدند تحریم‌ها برگردد، رجوع کنیم. وقتی کشوری نفت، پتروشیمی، فولاد، مس و آلومینیوم با خیلی از محصولات کشاورزی را صادر می‌کند، این امر درآمدهای ارزی برای کشور دارد. بخشی از این درآمدها بودجه دولت است و بخشی به بودجه دولت نمی‌آیند ولی ارز آنها در بازار ارز برای مصرف‌کنندگان ارزی مصرف می‌شود. بنابراین وقتی جلوی صادرات اعم از نفت، پتروشیمی، کالاهای کشاورزی و صنعتی گرفته شود، درآمدهای ارزی به کشور وارد نمی‌شود.

در این صورت درآمد کم می‌شود و تقاضای ارز وجود دارد و عرضه ارز کاهش می‌یابد. وقتی تقاضای ارز باشد اما عرضه ارز کم شود، ممکن است باعث گرانی قیمت ارز شود، همانند وقایعی که الان شاهد آن هستیم. لذا نکته مهم و اساسی این است که غیر از بودجه دولت که به درآمدهای نفتی وصل است، وقتی نفت صادر نمی‌شود غیر از کاهش درآمدهای ارزی، درآمد ریالی دولت هم کاهش می‌یابد چرا که تأمین منابع ریالی دولت از محل صادرات نفت بوده که موجب کمبود درآمد ریالی دولت و درآمد ارزی آن می‌شود.

کمبود درآمد ریالی دولت، دولت را به سمت استقراض از بانک‌ها می‌برد چرا که هزینه‌ها سرچای خود باقی است لذا کارکنان دولت هزینه خود را دارند، حقوق‌ها وجود دارد و هزینه‌های جاری نیز در جریان است و هزینه‌های عمرانی هم کم‌وبیش وجود دارد، بنابراین دولت به سمت استقراض از بانک‌ها کشیده می‌شود.

برجام برود و طبق چه احساس نیازی کشور را به سمت برجام بردند؟

کسانی که در سیاست خارجی هستند بهتر می‌توانند پاسخ بدهند.

اما شما در آن مقطع روایتی داشتید که بسیار بازتاب رسانه‌ای داشت. اینکه بیان کردید خسارت هرروز تاخیر در اجرای برجام هزینه هنگفتی برای کشور دارد، آیا الان نیز همان طور فکر می‌کنید؟

درست است، اما این وجه از تحلیل باید از سوی کسی باشد که مسلط بر برجام و همه ابعاد آن باشد.

پس شما سال ۹۴ براساس چه اطلاعاتی بیان کردید هرروز تاخیر در اجرای برجام معادل خسارت ۱۰۰ میلیون دلاری برای کشور است؟

مشارور اسبق رئیس جمهوری و عضو شاخص حزب اعتدال و توسعه است؛ وی پیش از اجرای برجام یکی از جنجالی‌ترین مواضع را درباره بود هرروز اجرا نشدن برجام، روزانه ۱۰۰ میلیون دلار ضرر به اقتصاد کشورمان وارد می‌کند.

در پنجمین سالگرد امضای برجام به سراغ ترکان رفته‌ایم تا روایتش از روزهای پرفراز و نشیب سال ۹۴ در امضای برجام را مرور کنیم.

چرا دولت روحانی تصمیم گرفت به سمت تصویب برجام برود و طبق چه احساس نیازی کشور را به سمت برجام بردند؟

کسانی که در سیاست خارجی هستند بهتر می‌توانند پاسخ بدهند.

اما شما در آن مقطع روایتی داشتید که بسیار بازتاب رسانه‌ای داشت. اینکه بیان کردید خسارت هرروز تاخیر در اجرای برجام هزینه هنگفتی برای کشور دارد، آیا الان نیز همان طور فکر می‌کنید؟

درست است، اما این وجه از تحلیل باید از سوی کسی باشد که مسلط بر برجام و همه ابعاد آن باشد.

پس شما سال ۹۴ براساس چه اطلاعاتی بیان کردید هرروز تاخیر در اجرای برجام معادل خسارت ۱۰۰ میلیون دلاری برای کشور است؟

مشارور اسبق رئیس جمهوری و عضو شاخص حزب اعتدال و توسعه است؛ وی پیش از اجرای برجام یکی از جنجالی‌ترین مواضع را درباره بود هرروز اجرا نشدن برجام، روزانه ۱۰۰ میلیون دلار ضرر به اقتصاد کشورمان وارد می‌کند.

مریم عاقلی

روزنامه‌نگار

محمد جمشیدی، عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده تهران در گفت‌وگو با فرهیختگان، به مرور شکل گیری برجام در دولت روحانی و مقایسه آن با نوع مذاکرات در دوره قبلی با کشورهای غربی پرداخت که در ادامه مشروح این مصاحبه آمده است.

در یک مرور و بازخوانی از توافق برجام در سال ۹۴ به نظر شما چرا دولت روحانی به سمت تصویب برجام رفت؛ داستان برجام از کجا آغاز شد و تلاش برای چنین توافقی از سوی تیم مذاکره‌کننده قبلی به چه نتایجی رسیده بود؟

اساساً توافق کردن چیزی نبود که جمهوری اسلامی از آن گریزان باشد، هدف مذاکراتی جمهوری اسلامی، اعم از دوره دولت نهم و دهم، رسیدن به توافقی بود که تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی ایران باشد. در آن دوره که جلیلی ریاست گروه مذاکره‌کننده را برعهده داشت، طرح‌هایی برای توافق ارائه شد که حتی در برخی موارد طرف مقابل شوکه شد از اینکه جمهوری اسلامی طرح‌های مکتوب و حتی با ترجمه انگلیسی را ارائه داده است.

چرا شوکه شدند؟

علت این بود که در دولت اوپاما هدف اولیه این نبود که توافقی صورت گیرد بلکه همان‌طور که دنیس راس که بعداً مسئول میز ایران و حوزه خاورمیانه در کاخ سفید شد، بیان می‌کرد بهترین پیشنهاد به ایران پیشنهادی است که مطمئن باشیم ایران آن را رد می‌کند تا بتوانیم بگوییم ایران مقصر شکست مذاکرات است و بتوانیم ایران را تحریم کنیم. هدف آمریکا به‌ویژه در دوره اوپاما این بود که فضا برای تشدید تحریم‌ها ایجاد شود.

کلینتون گفت ایران برای اینکه تحریم نشود توافق می‌کند

به همین دلیل شاهد این بودیم در حالی که ایران در اردیبهشت ۸۹ توافق تهران را در حوزه هسته‌ای انجام داد، طرف مقابل یعنی ترکیه و برزیل که طرف مذاکره‌کننده بودند و نمایندگی از طرف آمریکا داشتند، بعد از اینکه توافق انجام شد آمریکایی‌ها زیر توافق زدند و کلینتون علیه آن موضع گرفت و گفت ایران برای اینکه تحریم نشود توافق می‌کند، در حالی که هدف ما این بود که ایران تحریم شود و قطعنامه ۱۹۲۹ یک ماه بعد از توافق تهران در سال ۲۰۱۰ صورت گرفت. در آن دوره راهبردی آمریکایی‌ها این مسأله بود، لذا طرف ایرانی هم به دنبال این بود که توافقی صورت گیرد که منافع ملی آن لحاظ شود. اصل توافق در استراتژی جمهوری اسلامی ایران امر فرضی است به شرطی که منافع واقعی جمهوری اسلامی و ملت ایران تأمین شود. منافع اصلی در اینجا دو مورد است؛ یکی حفظ حقوق هسته‌ای و دیگری رفع واقعی تحریم‌هاست.

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد



بی‌قانونی و متکی به رای خود روابط بین‌المللی را خراب کرده است. در مورد ما نیز این اتفاق رخ داده است.

منافع اقتصادی ما در بازگشت آمریکا به برجام است یعنی به نظر شما اگر آمریکا از برجام خارج نمی‌شد شرایط برجام خوب پیش می‌رفت؟

اگر آمریکا به برجام برگردد، یعنی همین الان هم به برجام برگردد سران کشور معتقدند می‌توانند مجدداً با تمام تعهدات برجام جلو بروند و منافع اقتصادی ما نیز در این است.

اکبر ترکان در گفت و گو با «فرهیختگان»:

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد

استقراض از بانک‌ها توسط دولت موجب افزایش نقدینگی می‌شود. افزایش نقدینگی موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم می‌شود. بنابراین تورم‌های بسیار سخت به جامعه تحمیل می‌شود و موقعی که درآمد دولت کم می‌شود و مجبور می‌شود از بانک‌ها قرض کند، این تأثیر ریالی دارد. تأثیر ارزی این است که وقتی تقاضای ارز وجود دارد و عرضه کاهش می‌یابد، باعث گرانی قیمت ارز می‌شود.

اگر برجام طراحی درستی داشت و طبق یک سازوکار مشخصی پیش می‌رفت از این مشکل جلوگیری می‌کرد؟

مگر دو سال دوم اینچنین نشد؟ ما دو سال اول دولت روحانی در حال مذاکره و گفت‌وگو و شکل دادن به برجام بودیم؛ دو سال دوم آقای روحانی موقعیتی ایجاد شد که صادرات نفت و کالاهای دیگر شکل گرفت، درآمدهای ارزی و درآمدهای ریالی دولت هم خوب شد، شما شاهد بودید در آن دو سال نرخ رشد بسیار خوبی در کشور داشتیم.

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد

هیچ‌کس خروج آمریکا از برجام را پیش‌بینی نمی‌کرد هم نرخ رشد اقتصادی کشور و هم کنترل بر مسائل بازار ارز و بازار اشتغال خوب بود. حتی سالی ۷۰ هزار شغل ایجاد شد، مگر چنین نبود؛ اما با خارج شدن ایالات متحده آمریکا از برجام فشارهای بین‌المللی علیه ما آغاز شد.

شما پیش‌بینی می‌کردید آمریکا از برجام خارج شود؟

هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد. آیا کسی پیش‌بینی می‌کرد